

بررسی فقهی و اقتصادی پدیده خلق پول

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸

۵ محمود عیسوی*

چکیده

خلق پول از مسائل بسیار مهم پولی و اقتصادی است و تأثیر تعیین کننده‌ای بر متغیرهای کلان اقتصادی دارد. معمولاً فرایند خلق پول در بانک‌های تجاری در کتاب‌های درسی اقتصاد به خوبی بیان و به عنوان یک امر معمولی پذیرفته می‌شود و پس از آن تنها مسئله عرضه پول و حجم نقدینگی و تأثیرشان بر متغیرهای کلان اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ولی کمتر آثار اقتصادی خلق پول بررسی می‌شود. برخی اقتصاددانان تأثیر فراوان نظام بانکی بر جریان خلق پول و نیز آثار اقتصادی آن را مورد توجه قرار داده‌اند و برای جلوگیری آثار منفی آن پیشنهادهای مختلفی مطرح کرده‌اند. موضوع مورد توجه این نوشتار عبارت است از: مروری بر دیدگاه‌های مختلف اقتصاددانان درباره خلق پول، مروری بر آثار اقتصادی آن، بررسی ماهیت پول اعتباری و بانک و در نهایت بررسی فقهی پدیده خلق پول از سوی بانک‌ها و دولت با روش اجتهادی و تحلیلی. نوآوری این مقاله بررسی فقهی نسبتاً جامع خلق پول و نیز ارائه برخی قواعد پیشنهادی برای احتراز از آثار منفی خلق پول است.

واژگان کلیدی: پول، خلق پول، بانک، بانک تجاری، دولت، فقه.

طبقه‌بندی JEL: G0; G20; G21; K00.

مقدمه

چه بسا تصور بسیاری بر این باشد که بخش اعظم پول موجود در اقتصاد را دولت یا بانک مرکزی ایجاد می‌کنند؛ حال آنکه با بررسی عملکرد نظام بانکی آشکار می‌شود عمده «خلق پول» در اقتصاد را بانک‌های تجاری انجام می‌دهند. بانک‌های تجاری به دلیل تعامل مستمر و روزانه‌ای که با مردم و فعالان اقتصادی دارند، بخش زیادی از «خلق» و «محو» پول را بر عهده دارند. مهم‌ترین ابزار بانک‌ها در فرایند خلق پول، عملیات وام‌دهی آنهاست. هر مقدار قدرت وام‌دهی بانک‌ها بیشتر باشد، توان آنها در خلق پول بیشتر خواهد بود. ساز کار خلق پول به اختصار این گونه است که بانک با دریافت سپرده از مردم - و حتی بدون سپرده‌گیری و نیز بدون استقراض از بانک مرکزی - می‌تواند چندین برابر آن را بدون داشتن مابه‌ازایی در صندوق خود، به متقاضیان، وام پرداخت و بابت هر وام پرداختی بهره‌ای را دریافت کند و چندین برابر «قدرت خرید» پول اولیه در اقتصاد قدرت خرید ایجاد نماید. بنابراین امروزه «خلق پول» قدرت ویژه بانک‌هاست تا هنگام وام‌دهی از «هیچ»، خلق پول نمایند.

جدول ۱ - متغیرهای پولی و اعتباری کشور در پایان آذر ۱۴۰۰ - ارقام: هزار میلیارد تومان (همت)

پایه پولی B	پول M ₁	اسکناس در دست مردم C	سپرده‌های دیدار D ₁	سپرده‌های غیردیداری D ₂	نقدینگی M ₂
۵۶۰/۸	۸۷۷/۹	۷۳/۸	۸۰۴/۱	۳۵۴۹	۴۴۲۷

بر اساس داده‌های بانک مرکزی* ضریب فزاینده پولی ۱/۶ است؛ یعنی به ازای افزایش هر واحد پایه پولی منتشره از سوی بانک مرکزی، ۱/۶ واحد پول از سوی بانک‌ها به عرضه پول (M₁) کشور افزوده شده است. همچنین ضریب فزاینده نقدینگی ۷/۹ است؛ یعنی به ازای افزایش هر واحد پایه پولی ۷/۹ واحد پول از سوی بانک‌ها به حجم نقدینگی (M₂) کشور افزوده شده است. از سوی دیگر مقدار اسکناس در دست مردم تنها ۷۳/۸ همت یعنی

*. پایگاه اینترنتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بخش نشریات و پژوهش - نماگرهای اقتصادی، ش ۱۰۶، سه ماهه سوم ۱۴۰۰، تیر ۱۴۰۱، در:

۱۳/۲ درصد از پایه پولی، ۸/۴ درصد از حجم پول و ۱/۷ درصد از حجم نقدینگی در دست مردم است و ما بقی آن در اختیار بانک‌هاست که می‌توانند با آن اقدام به خلق پول نمایند. همچنان‌که پول با وام‌دهی بانک‌های تجاری متولد می‌شود، هنگام بازپرداخت وام، اصل وام، «محو» و معدوم می‌شود؛ ولی بخش دیگر یعنی بهره وام، درآمد بانک است. اگر این وام از محل سپرده‌های جاری پرداخت شده باشد، تمامی بهره حاصله متعلق به بانک و سهام‌داران آن است و اگر از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری پرداخت شده باشد، بهره دریافتی پس از کسر هزینه‌های بانک بین بانک و سپرده‌گذاران تقسیم می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

الف) مطالعات داخلی

توتونچیان (۱۳۷۴، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۹) اعتقاد دارد که در نظام بانکی متعارف فقط نرخ ذخیره صددرصد می‌تواند پول را در جهت انجام وظیفه‌اش هدایت کند؛ اما در نظام اسلامی چون به اعتقاد ایشان بانک وسیله پدیدآوردن سرمایه است نه وسیله پدیدآوردن پول، نیازی به ذخیره قانونی وجود ندارد. همچنین با توجه به اینکه پول یک کالای عمومی است، نباید خلق آن در حیطه اختیار نهادی غیر از دولت باشد.

داودی و همکاران (۱۳۷۴) معتقدند از دیدگاه اقتصاد اسلامی، حق انتشار پول اعتباری، با توجه به مصالح عمومی جامعه، در انحصار حاکمیت اسلامی قرار دارد.

داودی و محقق (۱۳۸۷) بانک‌داری محدود را در پاره‌ای موارد الگویی می‌دانند که می‌تواند با اصول اسلام در زمینه بانک‌داری از جمله خلق پول، هماهنگی و همراهی بیشتری داشته باشد.

میرمعزی (۱۳۸۴) بر این باور است که متغیرهای اقتصادی دارای آثار کلان یا باید در جهت مصالح عمومی و تحقق اهداف کلان اقتصاد اسلامی (عدالت اقتصادی، ثبات و رشد اقتصادی) ملاحظه شوند یا باید دولت ابزارهای لازم برای مهار کامل آنها را فراهم آورد؛ لذا نظام بانکی اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شود که ابزارهای لازم جهت مهار کامل حجم پول به وسیله دولت در آن فراهم باشد.

صمصامی و داودی (۱۳۸۹) می‌گویند تنها بانک‌های قرض‌الحسنه آن هم به صورت کنترل‌شده باید اقدام به خلق پول نمایند.

صمصامی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی دیگر معتقدند در اقتصاد اسلامی وظیفه خلق پول تنها بر عهده بانک مرکزی است. همچنین صمصامی در مقاله‌ای دیگر به همراه کیانپور (۱۳۹۴) نتیجه گرفته‌اند که خلق پول در نظام مالی اسلامی به دلیل مشکلات فراوان آن مشروع نیست. مجاهدی موخر و همکاران (۱۳۹۰) با تأکید بر رهیافت موریس اله نشان می‌دهند بانک‌داری ذخیره جزئی موجب خلق پول اعتباری از هیچ می‌شود که این امر تأثیرات نامطلوبی بر سطح عمومی قیمت‌ها، افزایش تورم، کاهش پس‌انداز، کاهش مداوم بودجه مصرف‌کنندگان و در نتیجه ایجاد ناپایداری اقتصادی دارد.

همچنین مجاهدی موخر و دلالی اصفهانی (۱۳۹۱) ضمن بررسی و تحلیل الگوی بانک‌داری شهید صدر بر این باورند که بانک اسلامی نمی‌تواند خلق اعتبار نماید. نظرپور و موسویان (۱۳۹۳، ص ۳۰۱) امکان خلق پول از سوی نظام بانکی را می‌پذیرند؛ زیرا درباره نرخ ذخیره قانونی بر این باورند که در بانک‌داری اسلامی، مبنای قابل قبولی برای عدول از دریافت ذخیره قانونی جزئی وجود ندارد؛ اما چون اخذ ذخیره قانونی به عنوان مالیات بر سپرده‌گذاران محسوب می‌شود و کارایی نظام بانکی را کاهش و هزینه سپرده‌گذاری را افزایش می‌دهد، اگر بتوان از ابزارهای دیگری برای اعمال سیاست پولی استفاده کرد، شاید توجیهی برای به‌کارگیری ذخایر قانونی آن هم به صورت گسترده وجود نداشته باشد و این به معنای دریافت ذخایر قانونی به میزان ضرورت و حرکت به سمت صفر درصد آن‌هاست.

ب) مطالعات خارجی

شهید صدر (۱۴۲۹ق/ ۱۳۹۳ش) خلق پول در نظام بانکی را جایز نمی‌داند و آن را تولید مال بدون کار و صرفاً بر اساس به‌کارگیری مال در قرارداد قرض می‌داند. مندر کهنف (Monzer Kahf) (۱۹۷۸م) می‌گوید انتشار پول به عنوان یک عنصر حاکمیت سیاسی دولت در نظر گرفته شده است. اینکه دولت تنها مرجعی است که می‌تواند به انتشار پول بپردازد، در تفکر جدید اسلامی مورد اختلاف نبوده است. این مزیت نمی‌تواند تحت هیچ شرایطی به یک امتیاز تبدیل شود. انتشار اسکناس و ایجاد سپرده‌های دیداری نیز از وظایف این مرجع است و باید توسط دولت اداره شود نه گروه خصوصی. بنابراین بانک‌های تجاری مجاز به خلق پول نیستند و این فعالیت در انحصار دولت است.

الجراحی (AlJarhi) (۱۹۸۱م و ۱۹۸۳م) مدلی از بانکداری محدود را ارائه می‌کند که ذخایر صددرصد نسبت به سپرده‌های دیداری پیش‌بینی شده است. بر این پایه او نیز معتقد به عدم جواز خلق پول از سوی بانک‌های تجاری است.

چاپرا (Chapra) (۱۴۰۱ق/۱۹۹۶م) اقدام بانک‌های تجاری به خلق سپرده‌ها را در نظام اسلامی به دو شرط می‌پذیرد: شرط اول اتخاذ تدابیر مناسب برای تضمین خلق سپرده‌های مشتقه مطابق با نیازهای اقتصاد مالی، غیرتورمی؛ شرط دوم اینکه سود ناشی از سپرده‌های مشتقه به مصرف کل جامعه برسد نه به صاحبان نفوذ. وی همچنین بانکداری اجتماعی را مطرح می‌کند که سعی در تخصیص منافع خلق پول به عموم مردم دارد.

خان (Mohsin S. Khan) (۱۹۸۷م)، میرآخور (۱۹۸۹م) و خان و میرآخور (۱۳۷۰) در قالب مدلی از بانکداری محدود، در سپرده‌های دیداری، معتقد به ذخیره قانونی صددرصدند و معتقدند ثبات قیمت و رشد و کنترل خلق پول می‌تواند به وسیله بانک مرکزی با استفاده از مجموعه‌ای از ابزارها به وجود آید.

ترکمانی (۱۴۰۹ق) به ذخیره قانونی اعتقادی ندارد و استفاده از ذخایر قانونی را منتفی می‌داند. یوسف کمال (۱۹۹۳م) بر این باور است که در اقتصاد اسلامی، کنترل حجم اعتبارات و نیز اعمال سیاست پولی به وسیله بانک مرکزی از طریق تغییر پایه پولی ضرورتی ندارد.

محمد نجات/الله صدیقی (۱۹۹۲م/۱۴۱۲ق) بر این باور است که در بانک‌های اسلامی خلق پول صورت می‌گیرد؛ اما ارتباط نزدیکی با ایجاد ثروت در بخش واقعی دارد. البته بانک‌های اسلامی باید نسبت به حالت متداول، ذخیره قانونی کمتری نگه دارند.

رفیق یونس المصری (۱۴۲۱ق) انتشار پول را به هر شکل و از هر نوعی از وظایف حکومت می‌داند؛ زیرا تغییرات عرضه پول، دارای آثار مهمی بر کل اقتصاد است و با مصالح عمومی جامعه ارتباط دارد؛ از سوی دیگر، در اسلام، دولت حافظ و پاسدار مصالح عمومی است. اما بانک‌ها و مردم به فکر منافع خودند و مصالح عمومی را رعایت نمی‌کنند؛ لذا هیچ راهی جز الزام به نگهداری صددرصد ذخایر قانونی به نظر نمی‌رسد.

۲. ماهیت پول

پول کنونی ماهیتی جعلی و اعتباری دارد و منشأ اعتبار آن نیاز انسان به داشتن وسیله‌ای برای مبادله و سنجش اموال است. پول اعتباری محض ارزش ذاتی ندارد و ارزش آن به دلیل ارزش مبادله‌ای آن است. نه ماده اسکناس و سکه رایج ارزش چندانی دارد و نه آنچه اکنون مورد استفاده است (پول الکترونیکی) چیزی بیش از عدد و رقم است؛ همچنین پول رایج، رسید دارایی هم نیست؛ یعنی هیچ دولت یا بانکی خود را موظف نمی‌داند که در صورت مراجعه افراد، معادل پولشان دارایی‌های حقیقی مانند طلا و نقره بدهد. قوام ارزش این پول دو چیز است: یکی قدرت و حاکمیت ناشر؛ دیگری پذیرش عامه مردم. هر کدام از این دو رکن تضعیف شود یا از بین رود، ارزش این پول و قدرت خرید آن کاسته یا نابود خواهد شد.

پس پول اعتباری ارزش مصرفی و استعمالی ندارد و تنها دارای ارزش مبادله‌ای است و ارزش مبادله‌ای آن هم ناشی از این است که طبق عرف عقلاً می‌توان آن را با کالاهای مختلف مبادله نمود. «قابلیت پول برای اینکه به وسیله آن کسب اموال دیگر شود، صفتی است که موجب ارزش پول شده است. درست است که ارزش بالذات برای بدل است، وجود همین استعداد تبدیل در پول، موجب ارزش پول است؛ یعنی صاحب پول از همین خاصیت پول منتفع می‌شود؛ همان طور که صاحب بذر از استعداد بذر منتفع می‌شود و استعداد و ارزش آن، ملاک مالیت پول و بذر است» (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۷۷). «پس اگر این استعداد (قابلیت مبادله با کالاها و خدمات) در پول از بین برود، پول کاملاً بی‌ارزش می‌شود» (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۷۲). بنابراین پول رایج پدیده‌ای ذهنی، اعتباری محض و مبتنی بر بدهی است که البته از دید عقلاً دارای ارزش اقتصادی است و از مالیت برخوردار است و تا زمانی که مورد پذیرش عقلاست، مال محسوب می‌شود و می‌توان آن را در بخش پولی و واقعی اقتصاد مبادله کرد. بنابراین «پول وسیله مبادله در بازار، قدرت خرید برای افراد و ابزار سیاست اقتصادی برای دولت است» (منتظرظهور، ۱۳۵۳، ص ۴۴۱). همچنین چون پول امروزی امری «اعتباری» و «ذهنی» است؛ ناشر آن خواه دولت (پول بیرونی) و خواه بانک (پول درونی) باشد، ایجاد آن «خلق از هیچ» است؛ همچنین به دلیل ماهیت اعتباری و آسانی انتشار آن، چگونگی مدیریت آن از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ از سوی دیگر پول یک پدیده «اجتماعی» است که اعتبار آن در ظرف اجتماع مفهوم پیدا می‌کند و تبعات مثبت و منفی آن متوجه همه آحاد

جامعه است؛ از این رو تصمیم درباره چگونگی انتشار آن حقی اجتماعی و متعلق به عموم افراد جامعه است. بر این اساس ساز کار ایجاد و خلق و مدیریت آن باید به گونه‌ای تنظیم شود که منافع عموم جامعه را تأمین نماید. با توجه به این خصوصیت، پول را پدیده‌ای «حاکمیتی» هم می‌توان دانست.

نکته دیگر این است که پول «کالا» نیست - خواه خصوصی و خواه عمومی - زیرا این تقسیم‌بندی ناظر به ارزش مصرفی اموال حقیقی است. کالا مال حقیقی است که ارزش مصرفی دارد و لذا به انواع مختلفی چون کالای خصوصی، کالای مشاع، کالای باشگاهی، و کالای عمومی تقسیم می‌شود؛ ولی پول اعتباری مال حقیقی نیست، بلکه مال اعتباری است و ارزش مصرفی ندارد؛ بلکه صرفاً ارزش مبادله‌ای آن مورد نظر است و لذا از این تقسیم‌بندی اساساً بیرون است؛ از این رو مالکیت و مدیریت آن قواعد خاص خود را می‌طلبد.

۳. ماهیت بانک و فرایند خلق پول

کميجانی و همکاران (۱۳۹۷) معتقدند در جهان کنونی مفهوم بانک متحول شده است و به تبع آن فرایند خلق پول نیز تغییر کرده است. آنها درباره ماهیت بانک از نظر تاریخی سه دیدگاه را گزارش می‌کنند که عبارت‌اند از:

«الف) دیدگاه واسطه‌گری مالی: بانک سپرده‌ها را وام می‌دهد و از این رو جذب سپرده پیش از پرداخت وام برای بانک ضروری است؛ ب) دیدگاه ضریب فزاینده: بانک تنها می‌تواند ذخایر مازاد خود را وام دهد؛ از این رو افزایش - یا کاهش - حجم پول در اقتصاد، با افزایش - یا کاهش - ذخایر بانک‌ها توسط بانک مرکزی آغاز می‌شود. بانک‌ها در یک فرایند تکرار شونده سپرده‌گیری و وام‌دهی، موجب خلق پول به میزان چند برابر ذخایر تزریق شده توسط بانک مرکزی می‌شوند؛ ج) دیدگاه خلق پول: "سپرده جدید همزمان با اعطای وام توسط بانک خلق می‌شود"؛ بنابراین بانک برای پرداخت وام محدود به سپرده‌های جذب شده نیست و تنها بر اساس محاسبات سودآوری و ریسک تصمیم به خلق وام و سپرده جدید می‌گیرد. ذخایر بانک نزد بانک مرکزی محدودکننده بانک در خلق وام نیست و بانک می‌تواند پس از اعطای وام - و خلق سپرده - ذخایر را جذب کند».

آنها همچون بسیاری از اقتصاددانان معتقدند فرایند خلق پول در نظام بانکی کنونی جهان مبتنی بر دیدگاه سوم است که بر اساس فرایند «خلق پول از هیچ» عمل می‌کند؛ برای نمونه بری (Berry) و همکاران (۲۰۰۷م) از اقتصاددانان بانک مرکزی انگلستان، ترنر (Turner) (۲۰۱۳م) رئیس پیشین خدمات مالی انگلستان، کالبرتسون (۱۹۵۸م) عضو هیئت‌مدیره فدرال رزرو، دادلی (Dudley) (۲۰۰۹م)، رئیس فدرال رزرو نیویورک و مارتین و همکاران (۲۰۱۳م) از فدرال رزرو نیویورک چنین دیدگاهی دارند. شرد (Sheard) (۲۰۱۳م) از مؤسسه استاندارد آند پورز می‌نویسد: «اعتبار - پول - دقیقاً از هیچ - با فشار یکی از دکمه‌های صفحه کلید - خلق می‌شود... وام، نه از ذخایر پرداخت می‌شود (مطابق رویکرد ضریب فزاینده) و نه از سپرده‌ها - مطابق رویکرد واسطه‌گری مالی: این وام‌ها هستند که سپرده‌ها را ایجاد می‌کنند نه بر عکس... پس از این است که بانک باید به عنوان پشتوانه سپرده‌ها، ذخایر را نزد بانک مرکزی نگهداری کند و بانک مرکزی این مقدار را تأمین می‌کند» (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۷). بر اساس این دیدگاه اولاً بانک‌ها تنها واسطه وجوه نیستند؛ بلکه در فرایند وام‌دهی - یا سرمایه‌گذاری - سپرده جدیدی خلق می‌کنند و برای وام‌دهی نیازی به جذب سپرده پیشینی ندارند؛ ثانیاً ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی محدودکننده وام‌دهی و خلق پول بانک‌ها نیست و بانک‌ها برای دادن وام نیازی به جذب ذخیره پیش از آن ندارند؛ ثالثاً این دو ویژگی یعنی «خلق سپرده در فرایند وام‌دهی بانک» و «وابسته‌نبودن وام‌دهی به جذب پیشینی ذخیره یا سپرده» ویژه بانک است و دیگر نهادهای مالی چنین توانایی را ندارند. این دیدگاه درباره بانک، دلالت‌های بسیار مهمی در حوزه سیاست‌گذاری پولی، مقررات‌گذاری و نظارت بانکی، بانک‌داری اسلامی و مدل‌سازی اقتصاد کلان دارد (همان).

«در حوزه سیاست‌گذاری پولی، این گزاره که "بانک‌های مرکزی می‌توانند با کنترل حجم پایه پولی، حجم وام و سپرده در اقتصاد را کنترل کنند" رد می‌شود. بانک مرکزی به‌ویژه در حالتی که از چهارچوب هدف‌گذاری نرخ بهره پیروی کند، تسلط بر حجم پول و اعتبار ندارد. در واقع بانک مرکزی تنها با تغییر برخی نرخ‌ها و نسبت‌ها مانند نرخ ذخیره قانونی، نرخ بهره تسهیلات اعتباری و نرخ بهره ذخایر می‌تواند بر انگیزه بانک‌ها در خلق وام و سپرده جدید تأثیر بگذارد. در حوزه مقررات‌گذاری، به دلیل آنکه افزایش سرمایه در شبکه بانکی از محل منابعی انجام می‌شود که شبکه بانکی خود خلق کرده است، افزایش در حداقل نسبت

کفایت سرمایه در مقررات، لزوماً مانع رشد حجم اعتبار و وقوع بحران بانکی نمی‌شود. همچنین در نبود یا ضعف نظارت بانکی، بانک‌ها می‌توانند از یک سو به پرداخت بهره یا انواع هزینه‌ها از محل "خلق پول از هیچ" اقدام کنند و از سوی دیگر برای تراز نشان دادن ترازنامه خود، اقدام به شناسایی دارایی‌های موهوم از طریق شیب ارزش‌گذاری دارایی‌ها کنند» (همان).

۴. دیدگاه ذخیره صفر درصد و آزادی کامل خلق پول

درباره قدرت خلق پول بانک‌ها در میان اقتصاددانان دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. دیدگاه پول اعتباری محض و ذخیره صفر درصدی توسط ویکسل (Johan Gustaf Knut Wicksell) (۱۹۰۷م) و پس از آن با تعدیلاتی به وسیله فون مایزر (Ludwig Von Mises) (۱۹۳۵م) و هایک (Friedrich August von Hayek) (۱۹۳۵م) از مکتب اتریش مطرح شده است. ویکسل بر این باور بود که «این استدلال وجود دارد که در پرتو انتشار پول اعتباری محض، رقابت بر سر انتشار پول خصوصی توسط نظام بانکی و در بستر رقابت کاملاً آزاد، یک پول با ثبات ظهور کند. در این شیوه عملکرد بانک در خلق پول اعتباری کاملاً آزاد است» (مجاهدی موخر و همکاران، ۱۳۹۲).

۵. دیدگاه ذخیره جزئی

تجربه بانک‌داری جهان گواه آن است که آزادی عمل بانک‌ها در خلق پول از یک سو و هزینه تقریباً صفر ایجاد پول و اعتبار از سوی دیگر، بانک‌ها را تحریک می‌کند تا برای کسب سود بیشتر به تولید و خلق هرچه بیشتر پول بپردازند. این پول همان پولی است که بانک‌ها متعهد بودند در صورت درخواست مشتریان معادل آن را به صورت دارایی حقیقی (طلا و نقره) در اختیارشان قرار دهند؛ اما شرایط بحرانی هجوم مردم به دلایل مختلف برای تبدیل پول خود به طلا و نقره، بانک‌ها را به طور مکرر ناتوان از پاسخ‌گویی به درخواست مشتریان خود می‌کرد و موجب ورشکستگی بانک‌ها می‌شد؛ از سوی دیگر افزایش بی‌رویه انتشار پول از سوی بانک‌ها موجب ایجاد تورم در جامعه می‌شد. اگر بانک‌ها مجاز به وام‌دهی تمام پول سپرده‌گذاری شده در بانک خود باشند و ذخیره قانونی وجود نداشته باشد و میزان نگهداری پول نقد در صندوق ناچیز باشد، قدرت خلق پول بانک‌ها به سمت بی‌نهایت میل می‌کند.

رونی فیلیپس از کاتینگ (Cutting) نقل می‌کند: «بانک‌داران با اعتباراتی که به جامعه می‌دهند، از جامعه باج می‌گیرند» (Phillips, 1992). یا به تعبیر خود فیلیپس «وام‌دهی و خلق پول، در واقع مانند انتشار اسکناس جعلی است. تنها تفاوت در این است که منافع در هر یک از دو حالت، نصیب چه کسی می‌شود» (همان).

مجموع این شرایط دولت‌ها را به این نتیجه رساند که با تأسیس بانک‌های مرکزی حق انتشار پول را در انحصار خود قرار دهند تا هم از سود بادآورده خلق پول اعتباری بهره‌مند شوند و هم توانایی مدیریت بحران‌های بانکی و پولی را داشته باشند. بنابراین یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های ایجاد بانک‌های مرکزی جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها در زمان بحران هجوم و نیز مدیریت خلق پول آنها بوده است.

یکی از روش‌های ابداعی بانک‌های مرکزی برای مدیریت خلق بی‌رویه پول در جامعه استفاده از روش ذخیره جزئی است. بر اساس این روش بانک‌ها ناچارند درصدی از سپرده‌های مردم را نزد خود یا بانک مرکزی نگه دارند تا در مواقع بحران بتوانند پاسخ‌گوی مشتریان خود باشند و به ورشکستگی دچار نشوند؛ از سوی دیگر بانک‌های مرکزی با تغییر این نرخ این امکان را می‌یابند که خلق پول نظام بانکی را متناسب با شرایط مختلف اقتصادی مدیریت کنند. در این روش دو نوع پول وجود دارد: یکی «پول بیرونی» که در قالب پایه پولی از سوی بانک مرکزی ایجاد می‌شود و دیگری «پول درونی» که با روش ذخیره قانونی و با ساز کار ضریب فزاینده از سوی بانک‌های تجاری خلق می‌شود.

۶. آثار خلق پول مبتنی بر ذخیره جزئی

خلق پول مانند هر پدیده اقتصادی دیگر می‌تواند آثار مثبت یا منفی مختلفی داشته باشد. اگر پول خلق‌شده در مسیر رشد تولید و به‌کارگیری ظرفیت‌های خالی اقتصاد مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند در جهت رشد و توسعه و رفاه اجتماعی عمل نماید. مشروط به اینکه در همین مورد هم افزایش بیش از اندازه تولید کالاها موجب رکود اقتصادی نشود که در این صورت نتیجه معکوس خواهد داشت. اما در بسیاری موارد خلق پول بانکی بر پایه ساز کار نرخ ذخیره جزئی موجب خلق گسترده پول می‌شود که به طور عمده به سود نظام بانکی و تحمیل مشکلات متعدد به همه یا بخشی از جامعه است. در هر صورت خلق پول بر پایه

اصل ذخیره جزئی آثار مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی دارد که از کنار آنها به سادگی نمی‌توان گذشت. مهم‌ترین آثار اقتصادی آن عبارت است از:

۱- بی‌ثباتی در عرضه پول: بر پایه نظام ذخیره جزئی، بانک‌ها مجاز به خلق پول و اعتبار هستند و در کنار بانک مرکزی و بلکه مؤثرتر از آن اقدام به عرضه پول می‌کنند؛ زیرا بانک‌ها با توجه به ساز کار ضریب فزاینده، چندین برابر پول پر قدرت تولیدی بانک مرکزی می‌توانند تولید کنند؛ از این رو «عملکرد این بانک‌ها یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار بر تغییرات حجم پول است و رفتار آنها در خلق پول می‌تواند عرضه آن را دچار بی‌ثباتی نماید» (Ryan- Fisher, 1936/Jackson. and Dyson, 2012/Phillips, 1994/Collins et al., 2011). «اگر خلق پول بیرونی توسط بانک مرکزی یا خلق پول درونی توسط شبکه بانکی افزایش یابد، عرضه پول در اقتصاد بالا می‌رود. با ثابت بودن دیگر شرایط، این مسئله مستقیماً به افزایش نقدینگی و تورم منجر می‌شود» (موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۳۲).

۲- افزایش بی‌رویه تقاضای پول: با توجه به نقش بانک‌های تجاری در خلق و عرضه پول، افزایش بی‌رویه حجم پول موجب کاهش نرخ بهره می‌شود و همین امر افزایش تقاضا برای پول را به دنبال دارد. ادامه این روند با فرض ثبات عرضه کالاها و خدمات، در نهایت به بی‌ثباتی اقتصادی و تورم پولی منجر می‌گردد. البته افزایش تقاضای پول علل دیگری غیر از خلق پول بانکی می‌تواند داشته باشد؛ مانند اینکه تورم خارجی موجب افزایش سطح قیمت کالاهای وارداتی (نهایی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای) شود و تورم داخلی افزایش یابد و در نتیجه تقاضا برای پول زیاد شود؛ اما به هر حال خلق بیش از اندازه پول یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر تقاضای پول است.

۳- ایجاد تورم پولی: با خلق تکاثری پول در این شیوه، تقاضای کل جامعه افزایش می‌یابد و در نتیجه با ایجاد عدم تعادل میان عرضه و تقاضای کل، قیمت‌ها افزایش خواهد یافت و با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، تورم ایجاد خواهد شد. در این شرایط ارزش دارایی دارندگان پول نقد کاهش می‌یابد؛ به گونه‌ای که با پول بیشتر کالای کمتری می‌توانند خریداری کنند. در واقع در چنین شرایطی گروه اقلیت با انباشت ثروت در دستان خود از اکثریت جامعه «مالیات پنهان» دریافت می‌کنند. موسویان و میثمی با وجود اینکه اصل خلق پول را می‌پذیرند، تورم پولی را نتیجه خلق پول می‌دانند و می‌نویسند: «تورم و کاهش ارزش پول یکی از

پدیده‌هایی است که با ماهیت اقتصادهای پولی و اعتباری جدید که در آنها بانک مرکزی و شبکه بانکی قدرت گسترده‌ای در زمینه خلق پول دارند، گره خورده است» (همان، ص ۳۳۱).

۴- بی‌ثباتی اقتصادی: با ایجاد تورم در جامعه به دلیل خلق پول بانکی، از یک سو تقاضای برای پول برای انجام مبادلات یکسان افزایش می‌یابد و از سوی دیگر این شرایط به تقاضای سفته‌بازی پول دامن می‌زند و در نتیجه با افزایش بیشتر تقاضای پول و فزونی آن بر عرضه پول، نرخ بهره افزایش می‌یابد و برقراری چنین شرایطی در اقتصاد به بی‌ثباتی اقتصاد منتهی می‌شود و چرخه‌ای از تورم و رکود را به ارمغان می‌آورد و توزیع درآمد جامعه را با مشکل روبه‌رو می‌کند. «تجربه تاریخی نشان می‌دهد، بیشترین نوسان‌های پولی، چه به صورت تورم شدید و یا کاهش ناگهانی در سطح عمومی قیمت‌ها به دلیل رکود و کساد، از سده بیستم میلادی به این سوء پیامد بحران‌های بانکی بوده است» (مجاهدی موخر و همکاران، ۱۳۹۰). «خلق پول بانکی از طریق تورم سبب کاهش ارزش پول و ارزش ثروت در دست مردم می‌شود که این موضوع منجر به بروز ورشکستگی بانکی و بحران مالی می‌شود» (Othman Ibrahim, 2016). البته بی‌ثباتی اقتصادی می‌تواند معلول عوامل دیگری غیر از خلق پول نیز باشد.

۵- افزایش نابرابری‌های اقتصادی: خلق پول بانکی باعث بی‌عدالتی در توزیع عادلانه ثروت و همچنین افزایش بار بدهی بر عموم می‌شود (Ibid). قدرت بانک‌ها در خلق پول این امکان را برای آنها فراهم می‌آورد که به آسانی به «سود ویژه‌ای» دست یابند. زمانی که بانک‌ها اقدام به اعطای وام به مشتریان خود می‌کنند، نرخ بهره‌ای مثلاً به میزان ۱۰ درصد از آنها دریافت می‌کنند و با پرداخت ۴ درصد آن به سپرده‌گذاران ۶ درصد دیگر را خود تصاحب می‌کنند؛ اما اگر وام اعطایی را از حساب‌های جاری پرداخت کنند، همه ۱۰ درصد بهره را خود به تنهایی مالک می‌شوند؛ زیرا سپرده‌های جاری از منابع مجانی در اختیار بانک‌ها هستند. بدون تردید برقراری چنین ساز کاری در جامعه موجب ایجاد نابرابری اقتصادی می‌شود و به گسترش و تعمیق شکاف طبقاتی دامن می‌زند. «خلق پول توسط بانک‌ها موجب انتقال ثروت از فقرا به ثروتمندان و در نتیجه افزایش محرومیت اجتماعی و بی‌عدالتی شده است» (Huber & Robertson, 2014). «ریچارد دویت وایت (۱۹۹۵م) معتقد است بانک‌ها راه توسعه اقتصاد را بسته‌اند؛ زیرا وام‌ها به خاطر کسب بهره، متناسب با معیارهایی است که نفع ثروتمندان و افرادی را در پی دارد که وثیقه قابل توجهی دارند. در نتیجه در نظام پولی کنونی

پول‌های خلق شده به نفع اقتصادهای قوی است و با تبعیض علیه شرکت‌های کوچک و افراد فقیر، به وام‌گیرندگان بزرگ‌تر پرداخت می‌شود» (Huber & Robertson, 2014). «خلق پول بانکی باعث بی‌عدالتی در توزیع عادلانه ثروت و همچنین افزایش بار بدهی بر عموم می‌شود» (Othman Ibrahim, 2016). البته ایجاد یا افزایش نابرابری‌های اقتصادی تنها معلول پدیده خلق پول نیست؛ اما خلق بی‌رویه پول نقش مخربی در این باره از خود بر جای می‌گذارد.

۶- افزایش احتمال ورشکستگی بانک‌ها: در نظام ذخیره جزئی اگر به هر دلیل سپرده‌گذاران در یک بازه زمانی محدود برای دریافت پول خود به بانک مراجعه کنند، احتمال اینکه بانک‌ها قادر به پاسخ‌گویی به درخواست بسیاری از مشتریان خود نباشند، بسیار بالاست. در این صورت، بانک‌ها با خطر جدی ورشکستگی روبه‌رو می‌شوند و همین امر سبب پیدایش بحران بانکی و سپس اقتصادی خواهد شد. «ثبات و پایداری سیستم بانکی نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصاد دارد. وام‌دهی بانک‌ها با افزایش ورشکستگی بانکی همراه است» (AI Jarhi, 2004).

۷- گسترش بخش‌های غیرمولد و تضعیف بخش‌های واقعی اقتصاد: بانک‌های تجاری معمولاً تمایل به اعطای وام‌های کوتاه‌مدت با بهره بیشتر دارند. همین امر می‌تواند بخش‌های غیرمولد اقتصاد را گسترش دهد و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصاد همچون کشاورزی و صنعت را با مشکل جدی روبه‌رو کند (Fisher, 1936 / Phillips, 1994).

۸- افزایش هزینه‌های مردم و بخش خصوصی: امروزه بانک‌ها برای ایجاد امنیت سپرده‌های مشتریان خود اقدام به بیمه آنها می‌کنند. افزایش خلق پول بانک‌ها موجب دریافت وام بیشتر از سوی بخش خصوصی می‌شود و همین امر بخش خصوصی را بزرگ‌تر و احتمال ورشکستگی و عدم توانایی آن را در بازپرداخت وام‌های خود بیشتر می‌کند. بدین ترتیب بانک‌ها ضمن افزایش منافع خود با بیمه کردن وام‌ها، هزینه‌های بخش خصوصی را افزایش می‌دهند. به گفته ون دیکسهورن «مؤسسات مالی در حالی که منافع خودشان را حفظ می‌کنند، بخشی از هزینه‌های خود یعنی ریسک‌ها را به بخش خصوصی منتقل می‌کنند» (Van Dixhoorn, 2013). چنین اثری بیش از آنکه به دلیل وجود پدیده خلق پول باشد، معلول سوءمدیریت بانک‌هاست که ریسک خود را بر دوش مشتریان خود قرار می‌دهند.

۹- افزایش سرمایه‌گذاری‌های بی‌فایده: «بیشتر بانک‌ها مایل‌اند منابع خود را به وام‌گیرندگان وثیقه‌دار و دارای درآمد بالا وام دهند. همین عامل سبب می‌شود پول‌های جدید بانکی به جای سرمایه‌گذاری‌های پایدار، در کسب و کارهای کوچک تولیدی، املاک و سفته‌بازی صرف شود» (Ryan-Collins et al, 2011/ Van Dixhoorn, 2013). «بانک‌ها برای کاهش ریسک، تمایل دارند وام‌های خود را به دارایی‌های مالی یا حقیقی به‌ویژه مستغلات، اختصاص دهند؛ چراکه در این نوع وام‌ها، یک دارایی ملموس وجود دارد که در صورت نکول، قابل پیگیری است» (Werner, 2011). «اما سرمایه‌گذاری در تولید محصولات جدید مستلزم انتظار بانک برای به‌وجود آمدن یک جریان سودآور ناشی از تولید محصولی است که اکنون وجود ندارد. شواهد تاریخی حاکی است که بانک‌ها برای بیشینه‌کردن سود کوتاه‌مدت خود، به خلق اعتبار برای بخش‌های غیرمولد و سوداگرانه علاقه دارند» (Ryan-Collins et al, 2011). لازم است به این نکته اشاره شود که همه این آثار به طریق اولی در «خلق پول از هیچ» نیز قابل مشاهده است؛ زیرا در نظام ذخیره جزئی نیز تقریباً خلق پول از هیچ صورت می‌گیرد.

۷. بررسی فقهی پدیده خلق پول

در استنباط هر حکم فقهی گام اول موضوع‌شناسی است؛ از این رو درباره خلق پول نیز شناخت دقیق و کامل پول و ساز کار خلق آن و نیز توجه به آثار آن لازم و ضروری است و بدون شناخت و تبیین این مسائل، امکان استنباط حکم فقهی خلق پول وجود ندارد. از آنچه درباره ماهیت پول و بانک گذشت، نکات زیر را می‌توان به دست آورد:

- پول کنونی ماهیتی «اجتماعی»، «جعلی»، «اعتباری» و حاکمیتی دارد و دارای آثار مختلفی

است که باید در پژوهشی مستقل بررسی شود.

- پول اعتباری محض ارزش ذاتی ندارد و ارزش آن به دلیل ارزش مبادله‌ای آن است.

- قوام ارزش پول اعتباری دو چیز است: یکی قدرت و حاکمیت ناشر و دیگری پذیرش

عامه مردم.

- اگر قابلیت مبادله با کالاها و خدمات در پول از بین برود، پول کاملاً بی‌ارزش می‌شود.

- پول اعتباری از دید عقلاً دارای ارزش اقتصادی است و از مالیت برخوردار است (مال

اعتباری) و تا زمانی که مورد پذیرش عقلاست، مال محسوب می‌شود.

- چون پول امری اعتباری و ذهنی است، ناشر آن خواه دولت (پول بیرونی) و خواه بانکها (پول درونی) باشد، ایجاد آن، «خلق از هیچ» است.

- چون انواع پول از جمله پول اعتباری یک پدیده اجتماعی است و آثار جدی و فراوانی بر زندگی مردم دارد، ساز کار خلق و نیز مدیریت آن باید به گونه‌ای تنظیم شود که منافع عموم جامعه را تأمین نماید.

- پول اعتباری دارای پیامدهای بسیار جدی اقتصادی است؛ از این رو مدیریت آن فقط باید در اختیار حاکمیت باشد (جنبه حاکمیتی پول).

- بانک کنونی از حالت واسطه‌گری مالی و خالق پول بر اساس ضریب فزاینده جزئی خارج و به نهاد «خالق پول از هیچ» تبدیل شده است و لذا بانکها برای خلق پول نیازمند جذب سپرده‌های مشتریان خود نیستند.

- بانک مرکزی به‌ویژه در حالتی که از چهارچوب هدف‌گذاری نرخ بهره پیروی کند، نمی‌تواند با کنترل حجم پایه پولی، حجم وام و سپرده در اقتصاد را کنترل کند؛ بلکه فقط می‌تواند بر انگیزه بانکها در خلق وام و سپرده جدید تأثیر بگذارد.

اکنون با توجه به نکات بالا می‌توان از نظر فقه اجتماعی و حکومتی نه فقه فردی، پدیده «خلق پول از هیچ» در بانکهای تجاری را ارزیابی نمود.

الف) دیدگاه مشروعیت خلق پول بانکی

موسویان بر مجاز بودن خلق پول بانکی به طور مطلق چنین استدلال می‌کند: «از دیدگاه اقتصاد خرد و حقوق مالکیت به نظر می‌رسد که [خلق پول] هیچ اشکالی ندارد؛ چراکه وقتی شخص حقیقی یا حقوقی با افتتاح حساب سپرده دیداری و جوه خود را به بانک قرض می‌دهد، بانک مالک آن بوده و حق دارد که با رعایت قوانین و مقررات بانک مرکزی هر گونه که مصلحت بدانند، آن جوه را به کارگیرد» (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۳۰۹).

این استدلال به نظر نادرست می‌آید؛ زیرا خلق پول آثار بدی بر زندگی عموم مردم دارد؛ لذا انتقال مالکیت فرد در قالب قرض مجوز آن نیست که گفته شود چون بانک مالک پول شده، پس مجاز است هر گونه تصرفی در آن -از جمله خلق پول- انجام دهد. بر فرض اصلاً پول اولیه از آن خود بانک باشد، سؤال این است که آیا اساساً بانک حق دارد با توجه به آثار

منفی شدید اقتصادی و غیراقتصادی آن نسبت به خلق پول و اعتبار از منابع خود اقدام کند؟ همچنان که پذیرش مالکیت فردی مجوز این نیست که مالک با بهره‌گیری از اموال خود به دیگران ضرر برساند، پذیرش مالکیت بانک بر منابع پولی نیز با توجه به آثار منفی آن مجوز خلق پول از سوی بانک -چه در نظام ذخیره جزئی و چه در خلق پول از هیچ) نمی‌شود. افزون بر اینکه می‌توان رابطه مالکیت بانک با سپرده‌های پس‌انداز و جاری را با تعریف جدیدی از سپرده قطع نمود. در این صورت، اساس این استدلال فروخواهد ریخت. هدف این نوشتار آن است که با توجه به ادله‌ای که در ادامه خواهد آمد، نشان دهد بانک مجاز به انجام چنین کاری نیست و بانک مرکزی نیز حق واگذاری چنین امکانی به بانک‌ها را ندارد.

ب) دیدگاه مشروع نبودن خلق پول بانکی

برای اثبات نامشروع بودن خلق پول بانکی از نظر فقهی می‌توان مجموعه‌ای از ادله را مورد توجه قرار داد که از مجموع آنها فی الجمله نامشروع بودن خلق پول بانکی را می‌توان نتیجه‌گیری نمود.

۱) شرط قبض در عقد قرض موجب بطلان وام‌های بانکی

شهید صدر معتقد است چون جایز نیست ذمه و عهده دیگری نسبت به مالی از طریق قرض، بدون تحویل حقیقی آن مال مشغول گردد، خلق پول توسط بانک‌های تجاری جایز نخواهد بود؛ زیرا قبض، شرط در عقد قرض است (صدر، ۱۴۲۹ق، ص ۴۷). بر پایه این استدلال وام‌هایی که بانک‌ها از منابع قرضی (پس‌انداز و حساب‌های جاری) خود به مشتریان در قالب قرارداد قرض اعطا می‌کنند، باطل و نامشروع است و خلق پول از طریق اعطای قرض از منابع قرضی مجاز نیست؛ زیرا بانک با پرداخت وام و خلق اعتبار از منابع قرضی خود حقیقتاً پولی را به مشتری خود تحویل نمی‌دهد و قبض و اقباضی صورت نمی‌گیرد. اگر این سخن شهید صدر را ناظر به پرداخت وام در نظام ذخیره جزئی بدانیم، می‌توان استنباط نمود که ایشان به طریق اولی نباید خلق پول از هیچ را مشروع بدانند؛ اما چون تسهیلاتی را که بانک‌ها در قالب عقود مشارکتی یا مبادله‌ای به مشتریان خود از محل سپرده‌های مردم می‌پردازند، فاقد این ویژگی هستند، خلق پول از طریق آنها فاقد اشکال خواهد بود. بلکه فرض این است

که در این موارد اساساً خلق پول صورت نمی‌گیرد؛ چون همان پول سپرده‌شده وارد فعالیت اقتصادی شده است.

۲) خلق پول مصداق اکل مال به باطل

از نظر فقها مفاد قاعده «حرمت اکل مال به باطل»^{*} این است که در باب معاملات هر گاه عرف یا شرع، سببی را باطل بداند، به حکم شرع، تصرف در آن مال یا تملک آن، به دلیل وجود عنوان «باطل»، حرام خواهد بود. درباره معنای «باطل» دو دیدگاه میان فقها وجود دارد.

دیدگاه اول معتقد است منظور از باطل در آیه، «باطل شرعی» است. آیت‌الله خوئی معتقد است مراد از باطل، باطل واقعی و شرعی است و منظور آن چیزی است که شرع به موجب آیات و روایات به بطلان آن تصریح کرده است (خوئی، ۱۳۷۸ق، ج ۶، ص ۴۰/خوئی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۴۱). بر پایه این دیدگاه خلق پول در صورتی اکل مال به باطل خواهد بود که مصداق یکی از عناوین باطل شرعی همچون رباخواری، رشوه، سرقت، غصب و خوردن مال یتیم باشد. اگر اثبات شود که خلق پول بانکی مصداق یکی از عناوین باطل شرعی است، مصداق اکل مال به باطل خواهد شد. برخی اقتصاددانان خلق پول بانکی را مصداق جعل اسکناس می‌دانند. در این صورت باز هم خلق پول بانکی مصداق باطل شرعی است و بر اساس نظر فقهایی مانند آیت‌الله خوئی باید آن را غیرمجاز دانست.

اما عده‌ای دیگر از فقها همچون امام خمینی (۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۷۱) و آیت‌الله مکارم (۱۴۲۵ق، ص ۷۹) معتقدند منظور از باطل در آیه، «باطل» عرفی است؛ بنابراین طبق این دیدگاه هر نوع کسب و کاری که از نظر عرف «باطل» باشد، از نظر شرع حرام و نامشروع و کسب درآمد از طریق آن غیرمجاز خواهد بود. بر اساس این قاعده فقهی چون نظام بانکی از طریق پرداخت مبالغی بیش از ذخایر نقدی خود و بلکه بدون نیاز به سپرده، به خلق پول از هیچ اقدام می‌کند و چیزی را می‌فروشد که اساساً وجود ندارد و مالک آن نیست، خلق پول توسط آن و درآمدهای ناشی از آن از نظر عرف، مصداق «اکل مال به باطل» خواهد بود.

*. يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَاْكُلُوْا اَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ اِلَّا اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به باطل نخورید مگر آنکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد (نساء: ۲۹).

رتبارد (۲۰۰۸م، ص ۴۹) می‌نویسد: «بانک رسیده‌های جعلی از طلا را منتشر می‌کند، در حالی که چنین چیزی در صندوق بانک وجود ندارد. این یک تقلب قانونی است». آیت‌الله مکارم نیز بر اساس استفتایی که از ایشان منتشر شده است، «خلق پول از هیچ» را از سوی بانک‌ها حرام و مصداق اکل مال به باطل دانسته‌اند.*

۳) خلق پول مصداق ظلم به جامعه

با توجه به آثار منفی خلق پول بانکی و تأثیر مخربی که بر زندگی کل جامعه دارد، می‌توان آن را مصداق ظلم به کل جامعه -نه فقط سپرده‌گذاران- دانست؛ زیرا بانک‌ها از یک سو با پول مردم منافع سرشاری را به دست می‌آورند و بخش اندکی را به سپرده‌گذاران می‌دهند و از سوی دیگر تمام پیامدهای منفی آن مانند تورم و بی‌ثباتی اقتصادی را مردم و نیز صاحبان سپرده‌ها متحمل می‌شوند. این عملیات بانکی مصداق روشنی از ظلم است؛ بنابراین ادله حرمت ظلم، خلق پول بانکی را نیز در بر می‌گیرد و خلق پولی بانکی بر اساس این ادله حرام خواهد بود و بانک نمی‌تواند از این روش استفاده کند.

۴) خلق پول بانکی مصداق ضرر به جامعه

قاعده لاضرر یکی از قواعد پرکاربرد در فقه است. مفاد این قاعده آن است که در اسلام هر حکمی اعم از تکلیفی یا وضعی که مستلزم ضرر برای خود مکلف یا دیگری باشد، از ناحیه شارع، تشریح نشده است (شیخ انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۰). همچنین مستندات این قاعده همچون آیات ۲۳۱، ۲۳۳ و ۲۸۲ سوره بقره** و نیز روایت معروف سُمَرَة بن جُنْدَب گویند

*. با توجه به آنچه مرقوم داشته‌اید، این کار مصداق بارز اکل مال به باطل است؛ زیرا سرمایه‌ای وجود ندارد که آنها به وسیله آن معامله می‌کنند و از سوی دیگر باعث تورم و ضرر و زیان جامعه است و در مجموع بی‌شبهت به یک نوع کلاهبرداری نمی‌باشد که آن هم حرام است و اگر سپرده‌گذاران بخواهند سپرده خود را بگیرند، آن بانک مسلماً ورشکست خواهد شد؛ چون چند برابر موجودی خود مصرف کرده است (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی).

** وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تَمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَ هُنَّ كَالْزَانِيَاتِ فَالْمُتَعَدَاتِ وَ مَنْ يَزْنِ بِأَخِيحَتِهِ فَزَانِيَةٌ وَ يَزْنِ بِأَخِيحَتِهِ فَزَانِيَةٌ وَ يَزْنِ بِأَخِيحَتِهِ فَزَانِيَةٌ وَ يَزْنِ بِأَخِيحَتِهِ فَزَانِيَةٌ [با ترک رجوع] خود نزدیک شدند، آنان را [با رجوع کردن] به طور شایسته و متعارف نگه دارید، یا [با ترک رجوع]

این است که هیچ کس نمی‌تواند رفتاری داشته باشد که مستلزم زیان‌رساندن به دیگران باشد؛ همچنین بنا به نظر فقها، عرف ملاک تشخیص ضرر است (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۱۷/ شیخ انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۲/ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۱۵).

شکی نیست که با توجه به آثار منفی اقتصادی خلق پول، این اقدام بانک‌ها مستلزم زیان‌رساندن جدی بانک‌ها به زندگی مردم است. نشان داده شد که بسیاری از اقتصاددانان معتقدند عملیات خلق پول بانک‌ها مستلزم آسیب‌های مختلف اقتصادی است. بنابراین بر پایه عرف خاص اقتصادی، عملیات خلق پول رفتاری ضرری برای جامعه است؛ همچنان‌که اگر ابعاد آن برای عموم مردم به‌درستی تبیین شود، عرف عام مردم نیز آن را اقدامی زیان‌بار برای خود و جامعه فهم خواهند کرد. از فقهای معاصر آیت‌الله هاشمی شاهرودی به این مطلب تصریح دارند و حتی بانک‌ها و دولت را ضامن زیان‌های وارده به مردم می‌دانند. «عملکرد دولت یا بانک به عنوان یک تولیدکننده انحصاری از پول ذهنی انتزاعی یا اعتبار جعلی که به کاهش ارزش پولی و دارایی بخشی از جامعه می‌انجامد، موجب ضمان دولت یا بانک است؛ چراکه در نگاه عرف، پول انتشار یافته یا اعتبار خلق شده به عنوان یک صفت حقیقی در ذهن جامعه جای گرفته است؛ بنابراین نمی‌توان با هدف پولی نمودن کسری بودجه یا گسترش منابع مالی بانکی حتی با ساز کار عقود اسلامی به انتشار پول یا خلق اعتبار اقدام نمود» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴). همچنین آیت‌الله مکارم در پاسخ به استفتای از ایشان درباره خلق پول، آن را به استناد ضرری بودن محکوم به حرمت دانسته‌اند.

به نیکی و خوشی رها کنید و آنان را برای آزار رساندن و زیان زدن نگه ندارید تا بر آنان تعدی و ستم کنید و هر که چنین کند قطعاً به خود ستم کرده است (بقره: ۲۳۱).

لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَّهُ بَوْلِدِهِ: نباید مادری به خاطر فرزندش زیان بیند و نه پدری برای فرزندش دچار ضرر شود (بقره: ۲۳۳).

وَلَا يُضَارُّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ: و نباید به نویسنده و شاهد زیان برسد و اگر زیان برسانید، خروج از اطاعت خداست که گریبان‌گیر شما شده است (بقره: ۲۸۲).

۵) خلق پول و قاعده حفظ نظام و مصالح جامعه

بدون شک حفظ نظام و رعایت مصالح جامعه مورد توجه و مطلوب شارع مقدس است؛ از این رو هر امری که اخلال به نظام وارد نماید، نامشروع خواهد بود. فقها در موارد زیادی به این قاعده استناد کرده‌اند؛ برای مثال از نظر فقهای امامیه به دست آوردن مرتبه اجتهاد، واجب کفایی است؛ به ویژه با توجه به آنکه اجتهاد را شرط قضا می‌دانند. صاحب جواهر درباره دلیل این امر (وجوب تلاش برای رسیدن به اجتهاد و وجوب حکم‌دادن و افتا) می‌نویسد: «لتوقف النظام علیها» (نجفی، ۱۴۰۲ق، ج ۲۱، ص ۴۰۴).

منظور از اختلال نظام، انجام هر عملی است که هماهنگی و پیوستگی جامعه را از میان ببرد و گسست و بی‌نظمی و پراکندگی به وجود آورد. هر نوع بحران‌آفرینی و ایجاد خلل و وقفه در تمامی حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... می‌تواند منشأ پیدایش چنین امری شود و جامعه را دچار هرج و مرج و زندگی مردم را گرفتار عسر و حرج کند. امام خمینی می‌گویند: «آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد - که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود - و آنچه ضرورت دارد - که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است - و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است، پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی، با تصریح به موقت بودن آن، مادام که موضوع محقق است و [اینکه] پس از رفع موضوع خودبه‌خود لغو می‌شود، مجازند در تصویب و اجرای آن» (موسوی خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۵۱۰).

حکمت تشریح بسیاری از احکام و قوانین شرعی، مانند حدود و تعزیرات، منع از احتکار کالاها، ممنوعیت ربا، ضرورت پرداختن به امور حسبه، اعتباربخشیدن به قاعده ید و اصل صحت و بسیاری از موارد دیگر، ایجاد نظم در جامعه و سامان‌دهی امور و ممانعت از ایجاد اختلال در آن است. فقها بر اساس این قاعده، هر موضوعی را که موجب اختلال نظام شود، حرام دانسته‌اند و به وجوب آنچه لازمه حفظ نظام است، فتوا داده‌اند (انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۷۲۰/خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۵۵/خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۵۱۰). بنابراین هر چیزی که مخالف نظام و مصالح عمومی باشد، حکومت اسلامی باید جهت حفظ نظام و صیانت از مصالح عمومی جامعه از آن ممانعت به عمل آورد.

همچنان‌که گفته شد، خلق پول دارای آثار منفی متعددی است که هر کدام از آنها به‌تنهایی می‌تواند موجب اختلال نظام گردد و مصالح عمومی جامعه را از بین ببرد. از آنجا که حفظ نظام و رعایت مصالح عمومی جامعه عقلاً واجب و آنچه موجب اختلال می‌شود، حرام است، خلق پول حرام و درآمد حاصل از آن نامشروع خواهد بود و خلق‌کننده پول، مالک درآمدهای حاصل از آن نخواهد شد.

۶) خلق پول مصداق کلاهبرداری و سُحت

آیت‌الله مکارم در پاسخ به استفتای ایشان درباره خلق پول آن را نوعی کلاهبرداری و محکوم به حرمت دانسته‌اند. در توضیح این قسمت از دیدگاه ایشان درباره خلق پول در ادامه به‌اجمال درباره کلاهبرداری و برخی ادله حرمت آن بحث کوتاهی خواهد شد. «کلاهبرداری کاری بر پایه فریب است که فرد یا افرادی برای کسب نفع شخصی خود یا نفع مؤسسه‌ای، آن را انجام می‌دهند. کلاهبرداری در همه جوامع و کشورها جرم است، اگرچه مصداق‌های آن در نظام‌های گوناگون قضایی فرق می‌کند» (کریمی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰).

«کلاهبرداری از نظر شریعت اسلام تحت عناوین کلی‌تر همچون تدلیس و گاهی غبن و معاملات سُحتی (باطل) قرار می‌گیرد» (همان). واژه معادل کلاهبرداری در عربی «احتیال» است. شخص مُحتال کسی است که صاحب حيله باشد و مردم را فریب می‌دهد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۶۱). در تعریف اصطلاحی کلاهبرداری (احتیال) از نظر فقه امامیه گفته‌اند: «آن کس که در مال مردم با مکر و خدعه و نوشته‌های مزورانه و گواهی‌های دروغ و نامه‌های کذب و نظایر آنها حيله و فریب روا دارد، بر وی تأدیب و تنبیه واجب است و باید آنچه را که گرفته است، به طور کامل بازپس بدهد» (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۲۱).

نکته مهمی که در ماهیت احتیال باید مورد توجه قرار گیرد، این است که در عمل محتال، ربودن و ربایشی وجود ندارد، بلکه نوعی تصاحب و مالکیت بر مال یا ملک غیر، مطرح است. در نتیجه کلاهبرداری عبارت است از «تصاحب و تملک اموال دیگری به وسیله عملیات متقلبانه (کریمی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰).

فقه‌های امامیه برای حرمت کلاه‌برداری به ادله مختلف همچون حرمت اکل مال به باطل، آیات حرمت حرام‌خواری و حرمت «اکل سُحت»^{*} استناد کرده‌اند. کلمه «سُحت» از «سَحَت» به معنای نابودی، از بین بردن و تباه‌شدن چیزی است و سُحت در آیات قرآن به معنای «حرام» است. به تعبیر راغب گویا حرام دین و مروت شخص را از بین می‌برد (ر.ک: قرشی، ج ۳، ص ۲۳۷). بنابراین سُحت معنا و مفهوم عامی دارد و به مصداق یا مصادیق مشخص اختصاص ندارد و هر نوع عواید و درآمد نامشروع و حرام را شامل می‌شود؛ به عبارت دیگر سُحت همچون باطل در «اکل مال به باطل» عمومیت دارد و شامل تمام اموالی که انسان بناحق و از راه‌های حرام و نامشروع و باطل به دست می‌آورد، می‌شود (کریمی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰).

بر اساس تعبیر آیت‌الله مکارم و نیز توصیف برخی اقتصاددانان، خلق پول نوعی کلاه‌برداری است و از نظر عرف عنوان سُحت بر آن صادق خواهد بود و لذا فعل حرامی است و بانک، مالک درآمد حاصل از آن نخواهد شد.

ج) بررسی فقهی خلق پول از سوی دولت

چون جامعه در طول تاریخ برای انجام مبادلات خود نیازمند وسیله‌ای به عنوان واسطه مبادله بوده است، ناچار از خلق پول -خواه بر اساس پول حقیقی و خواه پول اعتباری محض- و مدیریت آن است و گریزی از آن ندارد. برای این منظور اولاً به دلیل نقش پول در اقتصاد و تأثیر گسترده آن بر زندگی مالی و اقتصادی عموم افراد جامعه و نیز به دلیل نقش حاکمیتی دولت در تنظیم مناسبات اقتصادی، باید مسئولیت کار متوجه دولت باشد. بر اساس ادله ولایت فقیه می‌توان خلق پول را از شئون حاکمیتی ولی فقیه دانست (موسویان، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۱۳)؛ همچنان‌که دولت‌ها در طول تاریخ به تدریج آموختند که اختیار و مسئولیت خلق پول و مدیریت آن را باید خود به دوش بگیرند.

ثانیاً دولت موظف است بر اساس قاعده لزوم رعایت مصالح جامعه و حرمت اختلال در نظام، در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود منافع عموم را در نظر بگیرد و مصالح و مفاسد خلق پول و مدیریت و تخصیص آن را نسبت به عموم جامعه لحاظ کند و نباید منافع

*. مانند آیه شریفه ۴۲ سوره مائده: «سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِلسُّحْتِ: پذیرا و شنوای دروغ‌اند و

بسیار مال حرام می‌خورند».

خود یا صاحبان قدرت و ثروت را مبنای تصمیمات و اقدامات خود قرار دهد؛ زیرا از نظر فقهی مطابق قاعده لاضرر دولت حق ندارد خلق پول را به گونه‌ای انجام دهد که موجب زیان اقشاری از جامعه گردد. مگر اینکه ضرورت مهم‌تری وجود داشته باشد که در این صورت دولت وظیفه دارد، این خسارت را جبران نماید. اگر در موردی جبران خسارت برای او امکان پذیر نباشد، در این صورت اگر مصالح نظام، خلق پول را اقتضا کند، مجاز به خلق پول به اندازه مورد نیاز خواهد بود. البته «اگر عرضه و تقاضای بازار، ارزش پولی را تغییر دهد -مانند تغییرات ارزش پولی در مقابل ارز- هیچ ضمان و تعهدی وجود ندارد» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴).

۸. انواع خلق پول

ظاهراً در هر نظام پولی (کالایی، پایه فلزی، اعتباری محض و غیره) گریزی از خلق پول نیست؛ زیرا هر جا که اعتبار مطرح باشد، ناگزیر خلق پول هم اتفاق خواهد افتاد و هر جا از پدیده اعتبار بیشتر استفاده شود، خلق پول بیشتر خواهد بود. آن‌گاه که میزان پولی که در اقتصاد تولید می‌شود، تعادل در بخش واقعی را بر هم نزند و هیچ کدام از پیامدها و آثار منفی خلق پول را موجب نگردد، این نوع خلق پول مفید است و بدون آن چرخش اقتصاد با دشواری روبه‌رو خواهد شد و چون مبتنی بر بخش واقعی اقتصاد است، انتظار این است که هیچ کدام از آثار مخرب خلق پول از هیچ را نداشته باشد؛ از این رو می‌توان خلق پول را به دو نوع تقسیم کرد: «خلق پول مثبت» (خلق پول مبتنی بر بخش واقعی اقتصاد و از طریق پول بیرونی و پایه پولی با توجه به قاعده‌گذاری پولی که در آینده به برخی از آنها اشاره خواهد شد) و «خلق پول منفی» (خلق پول از هیچ یا همان پول درونی). معیار در مثبت و منفی بودن خلق پول این است که تعادل اقتصاد را بر هم خواهد زد یا خیر و آثار منفی را به دنبال دارد یا نه. همه آنچه درباره حرام و نامشروع بودن خلق پول گفته شد، مربوط به خلق پول منفی (خلق پول از هیچ) است؛ همچنین در همه آنچه درباره آثار خلق پول گفته شد، تفاوتی بین خلق پول بانکی و خلق پول دولتی نیست؛ همچنان‌که تفاوتی میان بانک خصوصی و بانک دولتی وجود ندارد.

با این توضیحات اگر خلق پول دولتی دارای آثار منفی یادشده بود، عملیات وی حرام خواهد بود و دولت مالک درآمدهای حاصل از آن نخواهد شد و باید درآمدهای حاصله را به صاحبانش مسترد دارد و اگر زیانی متوجه همه یا بخشی از جامعه شده است، آن زیان را جبران نماید.

اما اگر خلق پول در محدوده‌ای صورت گیرد که هیچ کدام از آثار منفی یادشده را نداشته باشد، دولت می‌تواند خلق پول را خود به تنهایی بر عهده بگیرد و آن را از طریق پایه پولی تنظیم کند (اعمال سیاست پولی انبساطی با ابزار پایه پولی).

اما درباره خلق پول بانکی (خلق پول درونی) با استفاده از مطالب قبلی می‌توان چنین گفت: اگر سپرده‌های بانکی سپرده‌های سرمایه‌گذاری باشد، انتظار نمی‌رود خلق پولی صورت گیرد؛ زیرا فرض این است که از یک پول فقط یک بار در سرمایه‌گذاری می‌توان استفاده کرد و اگر پول پرداخت شده مدتی در حساب جاری تسهیلات‌گیرنده قرار داشته باشد، دیگر سپرده سرمایه‌گذاری نخواهد بود؛ بلکه بر اساس قانون بانک‌داری فعلی کشور قرض است که حکم آن در ادامه خواهد آمد.

اما اگر سپرده‌های بانکی از نوع سپرده‌های جاری و قرض باشد، خلق پول از هیچ خواهد بود که خلق پول منفی نامیده شد و از نظر اقتصادی آثار مخربی دارد که اقتصاددانان ضمن توجه دادن به این آثار هر کدام راه‌حلی را ارائه داده‌اند (ذخیره صددرد، بانک‌داری محدود، نظارت دولت بر بانک‌ها و...). مناسب است این راه‌حل‌ها در مجالی دیگر مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

۹. قاعده‌گذاری خلق پول

برای اینکه دولت (قوه مجریه) در انجام وظیفه خود کوتاهی نکند یا غیرکارشناسی عمل ننماید، باید قواعد سخت‌گیرانه‌ای را تنظیم نمود. این قواعد می‌تواند هم از جنبه قانونی و هم از جنبه مدیریتی مورد توجه باشد. قواعد قانونی یعنی وضع کردن قوانین سخت‌گیرانه برای خلق پول و میزان آن و چگونگی مدیریت و تخصیص پول جدید. قواعد مدیریتی یعنی تنظیم قواعدی که نحوه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در مورد خلق و مدیریت پول را کاملاً

به عنوان یک امر حاکمیتی مورد توجه قرار دهند. تصمیم در مورد این پدیده نباید در اختیار مثلاً رئیس دولت یا رئیس بانک مرکزی به تنهایی باشد.

نمونه‌هایی از قواعد قانونی که می‌توان بر پایه آنها چگونگی خلق پول را ضابطه‌مند نمود و از بروز آثار جانبی منفی آن تا آنجا که مقدور است، جلوگیری کرد، می‌تواند از این قرار باشد:

- دولت تنها مجاز است مقدار لازم پول را برای اداره کشور متناسب با ارزش تولید ملی

خلق نماید (انحصار خلق پول جدید در اختیار دولت و بانک مرکزی).

- دولت حق کسب درآمد از پول جدید را ندارد و در صورتی که دارای درآمدی باشد، این

درآمد یا باید به بیت‌المال برگردد و صرف امور عام‌المنفعه شود یا میان عموم مردم توزیع گردد.

- دولت برای جبران کسری بودجه خود صرفاً باید از مالیات‌ها و دیگر منابع درآمدی

خود و نه خلق پول از هیچ استفاده کند.

- دولت موظف است پول جدید را متناسب با مصالح واقعی جامعه به بخش‌های مختلف

اقتصاد تخصیص دهد. این تخصیص‌ها باید به گونه‌ای باشد که بیشترین فایده را برای جامعه

ایجاد کند و کمترین آثار منفی را برای آن داشته باشد.

- دولت حق استفاده سیاستی از ابزار خلق پول از هیچ را ندارد، مگر اینکه به موازات آن

خسارت احتمالی وارد بر عموم مردم را جبران نماید (قاعده لاضرر). اعمال یک سیاست

پولی انبساطی موجب تورم پولی می‌شود که خسارت آن را معمولاً افسار متوسط و ضعیف

جامعه با درآمد ثابت متحمل می‌شوند. دولت باید خسارت وارده را مطابق با تورم ایجاد شده

جبران نماید.

- چگونگی دسترسی و اولویت‌های افراد و بخش‌های مختلف جامعه به پول جدید باید

ضابطه‌مند گردد (حق دسترسی عموم به پول جدید). این حق می‌تواند در چارچوب برنامه

کلی دولت برای حل مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، سلامت و... در

هر سال معین شود.

- بانک‌ها نباید از طریق خلق پول برای خود درآمدزایی کنند.

- بانک‌ها نباید از منابع مجانی خود (حساب‌های جاری و قرض) اقدام به خرید سرمایه

و بنگاهداری نمایند.

- بانک‌ها منابع مجانی خود را فقط باید به نیازهای ضروری و کوتاه مدت مردم اختصاص
یا در اختیار سیاست‌های حمایتی دولت قرار دهند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بانک‌های تجاری به دلیل تعامل مستمر و روزانه‌ای که با مردم و فعالان اقتصادی دارند، بخش
زیادی از «خلق» و «محو» پول را بر عهده دارند. مهم‌ترین ابزار بانک‌ها در فرایند خلق پول،
عملیات وام‌دهی آنهاست. هر مقدار قدرت وام‌دهی بانک‌ها بیشتر باشد، توان آنها در خلق
پول بیشتر خواهد بود.

پول اعتباری ارزش مصرفی و استعمالی ندارد و تنها دارای ارزش مبادله‌ای است و از مالیت
برخوردار است. ناشر آن خواه دولت و خواه بانک باشد، ایجاد آن «خلق از هیچ» است. همچنین
به دلیل ماهیت اعتباری و آسانی انتشار آن، چگونگی مدیریت آن از اهمیت فراوانی برخوردار
است. از سوی دیگر پول یک پدیده «اجتماعی» است و تبعات مثبت و منفی آن متوجه همه
آحاد جامعه است؛ از این رو تصمیم درباره چگونگی انتشار آن حقی اجتماعی و متعلق به
عموم افراد جامعه است. با توجه به این خصوصیت، پول ویژگی «حاکمیتی» هم دارد.

در جهان کنونی مفهوم بانک متحول شده است و به تبع آن فرایند خلق پول نیز تغییر
کرده است. بانک‌ها اکنون به عنوان «خالق پول از هیچ» تعریف می‌شوند. بر اساس این دیدگاه
بانک‌ها تنها واسطه وجوه نیستند؛ بلکه در فرایند وام‌دهی سپرده جدیدی خلق می‌کنند و
برای وام‌دهی نیازی به جذب سپرده پیشینی ندارند. برخی اقتصاددانان، خلق پول از سوی
بانک‌ها را باج‌گیری و نوعی جعل اسکناس می‌دانند. دیدگاه ذخیره جزئی در جهت کنترل و
مهار خلق پول بی‌رویه از سوی نظام بانکی، دیدگاه حاکم بر نظام بانکی جهان است که در
جهت مدیریت صحیح پول ناکافی می‌نماید.

بی‌ثباتی در عرضه پول، افزایش بی‌رویه تقاضای پول، ایجاد تورم پولی، بی‌ثباتی اقتصادی،
افزایش نابرابری‌های اقتصادی، افزایش احتمال ورشکستگی بانک‌ها، گسترش بخش‌های
غیرمولد اقتصاد و تضعیف بخش‌های واقعی، افزایش هزینه‌های مردم و بخش خصوصی و
افزایش سرمایه‌گذاری‌های بی‌فایده از مهم‌ترین آثار منفی خلق پول از سوی نظام بانکی است.

با توجه به آثار مختلف خلق پول دو گونه خلق پول را می‌توان تصور کرد: یکی خلق پول مثبت (خلق پول بیرونی قاعده‌مند) و دیگری خلق پول منفی (خلق پول از طریق افزایش بی ضابطه پایه پولی یا خلق پول بانکی از هیچ). با توجه به ادله مختلف فقهی خلق پول منفی از سوی هر کس انجام پذیرد، مصداق اکل مال به باطل، ظلم به جامعه، ضرر رساندن به مردم، مخالف مصالح نظام و مردم و در نهایت مصداق کلاهبرداری و احتیال و محکوم به حرمت است. چون با وجود پول اعتباری جامعه ناچار از خلق پول است، برای مصون ماندن از آثار مخرب آن باید قواعدی سخت‌گیرانه تدوین و مدیریتی دقیق و مؤثر بر خلق پول بانک‌ها و دولت اعمال گردد.

منابع و مأخذ

۱. انصاری، مرتضی (۱۴۱۴ق). رسائل فقهیه. قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۲. _____ (۱۴۱۹ق). فرائد الوصول. قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۳. ترکمانی، عدنان خالد (۱۴۰۹ق). السیاسة النقدية و المصرفية فی الاسلام. بیروت، مؤسسه الرساله.
۴. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۴). ارزیابی پایه‌های نظری عملکرد بانک‌داری بدون ربا در ایران. مجموعه مقالات ششمین سمینار بانک‌داری اسلامی، نظام بانکی و سنجش عملکرد آن، تهران، مؤسسه عالی بانک‌داری، بانک مرکزی ج. ا. ا.
۵. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹). پول و بانک‌داری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری. تهران، مؤسسه فرهنگی هنری توانگران.
۶. خان، محسن. س، و میرآخور، عباس (۱۳۷۰). مطالعات نظری در بانک‌داری و مالی اسلامی. ترجمه محمد ضیایی بیگدلی، تهران، مؤسسه بانک‌داری ایران، بانک مرکزی ج. ا. ا.
۷. خمینی (امام)، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق). کتاب البیع. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. _____ (۱۴۰۹ق). تحریر الوسیله. قم، دار العلم.
۹. _____ (۱۴۲۲ق). استفتانات. چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۰. خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۸ق / ۱۹۵۹م). *مصباح الفقاهه*. النجف الاشرف، المطبعة الحیدریة.
۱۱. _____ (۱۳۵۲). *اجود التقریرات*. چاپ اول، عرفان، تهران.
۱۲. _____ (۱۴۱۶ق). *صراط النجاة (المحشی للخواص)*، قم، مکتب نشر المنتخب.
۱۳. داودی، پرویز، آقائزری، حسن، و میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۷۴). *پول در اقتصاد اسلامی*. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۴. داوودی، پرویز، و محقق، محمدجواد (۱۳۸۷). *بانک‌داری محدود*. *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۵ (۱۰).
۱۵. صدر، محمدباقر (۱۳۹۳). «اسلام راهبر زندگی»، «مکتب اسلام» و «رسالت» ما. ترجمه سیدمهدی زندیه، تهران، انتشارات دارالصدر (پژوهشگاه شهید صدر).
۱۶. _____ (۱۴۲۹ق). «الاسلام یقود الحیاة»، «المدرسة الاسلامیة»، «رسالتنا». قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
۱۷. صمصامی، حسین، و داوودی، پرویز (۱۳۸۹). *به سوی حذف ربا از نظام بانکی (از نظریه تا عمل)*. تهران، دانایی توانایی.
۱۸. صمصامی، حسین، داوودی، پرویز، و جهانی گوروان، جلال (۱۳۹۳). *هزینه‌های خلق پول در نظام بانک‌داری متعارف و راهکارهای تأمین مالی اسلامی*. *فصلنامه پژوهش اقتصادی*، ۱۴ (۵۵).
۱۹. صمصامی، حسین، و کیانپور، فرشته (۱۳۹۴). *بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی*. *فصلنامه معرفت اقتصادی*، ۱۳.
۲۰. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). *مجمع البحرین*. تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق). *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*. بیروت، دار الکتب العربی.
۲۲. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۴۱۲ق). *قاموس القرآن*. تهران، دار الکتب الاسلامی.
۲۳. کھف، منذر (۱۳۷۶). *مروری بر اقتصاد اسلامی*. ترجمه عباس عرب‌مازار، تهران، سازمان برنامه بودجه.
۲۴. کریمی‌نیا، محمدمهدی، ولایتی فاضل، ابراهیم، میرعماد، سعیده، و انصاری مقدم، مجتبی (۱۴۰۰). *بررسی حکم وضعی و تکلیفی کلاه‌برداری از منظر فقه امامیه با تأکید بر آیات قرآن کریم*. *مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۳۹.

۲۵. کمیجانی، اکبر، ابریشمی، حمید، و روحانی، سیدعلی (۱۳۹۷). ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها. *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی*، ۲۹.
۲۶. مجاهدی موخر، محمدمهدی، دلالی اصفهانی، رحیم، صمدی، سعید، و بخشی دستجردی، رسول (۱۳۹۰). مدل‌سازی الگوی رفتار بین نسلی از عملکرد بانک‌داری ذخیره جزئی با تأکید بر رهیافت موريس اله. *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۵.
۲۷. مجاهدی موخر، محمدمهدی، دلالی اصفهانی (۱۳۹۱). الگوی قرض‌دهی در اندیشه اسلامی و مقایسه آن با الگوهای رقیب اقتصاد متعارف. *فصلنامه مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، ۱.
۲۸. مجاهدی مؤخر، محمدمهدی دلالی اصفهانی؛ رحیم؛ صمدی، سعید؛ بخشی دستجردی، رسول (۱۳۹۲). بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۶۵.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *نظری به نظام اقتصادی اسلام*. قم، انتشارات صدرا.
۳۰. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ق). *انوار الفقاهه (کتاب البیع)*. قم، مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب.
۳۱. _____ (۱۴۰۲). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر: <https://makarem.ir/ahkam/fa/home/istifta/۲۶۶۰۵۶>
۳۲. منتظرظهور، محمود (۱۳۵۳). *اقتصاد (خرد و کلان)*. تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳۳. موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۳۷۷). *القواعد الفقهیه*. چاپ اول، قم، نشر الهادی.
۳۴. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۳). *بانک‌داری اسلامی*. تهران، پژوهشکده پولی و بانکی..
۳۵. _____ و میثمی، حسین (۱۳۹۶). *بانک‌داری اسلامی*. ج ۲، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
۳۶. میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۴). الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانک‌داری اسلامی. *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*، ۵ (۱۷).
۳۷. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۲ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۸. نراقی، احمد بن محمدمهدی (۱۴۱۵ق). *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۳۹. نظرپور، محمدنقی، و موسویان، سیدحسین (۱۳۹۳). *بانک‌داری بدون ربا از نظریه تا تجربه*. قم، دانشگاه مفید- تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۴۰. هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۳۷۴). احکام فقهی کاهش ارزش پول. *مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام*، ۲.

۴۱. یوسف کمال، محمد (۱۴۱۴ق / ۱۹۹۳م). *فقه الاقتصاد التقدي*. قاهره، دار الصابونی دار الهدایه.
۴۲. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۱). *ریا و تورم: بررسی تطبیقی جبران کاهش ارزش پول و تورم*. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۳. یونس المصری، رفیق (۱۴۲۱ق / ۲۰۰۱م). *بحث فی الاقتصاد الاسلامی*. سوریه، دار المکتبی.
44. Al-Jarhi, Mabid Ali (1983). A Monetary and Financial Structure for an Interest-Free Monetary Economy: Institutions, Mechanism and Policy. *presented to Seminar on Monetary and Fiscal Economics, Islamabad, Jan., 1981.*
45. Al Jarhi, & Mabid Ali (2004). Remedy for banking crisis: what Chicago and Islamic have in common: a comment. *Islamic Economic Studies*, Vol.11, No.2
46. Berry, S., Harrison, R., Thomas, R., & Weymarn, I. (2007). Interpreting Movements In Broad Money. *Bank of England Quarterly Bulletin*, Q 3.
47. Carpenter, S., & Demiralp, S. (2010). Money, Reserves, and the Transmission of Monetary Policy, Does the Money Multiplier Exist?. *Board of Governors of the Federal Reserve System.*
48. Chapra, M. U. (1996). Monetary Management in Islamic economy. *Islamic Economic Studies*, 4(1).
49. Culbertson, J. (1958). Intermediaries and Monetary Theory: A Criticism of the Gurley-Shaw Theory. *The American Economic Review*, 48 (1), 119-131.
50. Dixhoorn, C.V, (2013). Full Reserve Banking: An analysis of four monetary reform plans. *working paper*, The sustainable finance lab, Utrecht, Netherlands
51. Dudley, W. (2009). *The Economic Outlook and the Fed's Balance Sheet: The Issue of "How" versus "When"*. Federal Reserve Bank of New York, Speech, July 29.
52. Fisher, Irving, (1936). 100% Money and the Public Debt. *Economic Forum*, spring Number, April-June, 406-420.

53. Huber, Joseph, Robertson, James, (2014). *CREATING NEW MONEY A monetary reform for the information age*, London, New Economics Foundation.
54. Jackson, A. and B. Dyson, (2012). *Modernizing Money: Why our Monetary System is Broken and How it can be Fixed*, London, Positive Money.
55. Khan, Mohsin S. (1987). Islamic Interest-Free Banking: A Theoretical Analysis. in Mohsin S. Khan and Abbas Mirakhor, *Theoretical Studies in Islamic Banking and Finance* ,Houston, Texas, The Institute for Research in Islamic Studies.
56. Martin, A., McAndrews, J., & Skeie, D. (2013). *Bank Lending in Times of Large Bank Reserves*. Federal Reserve Bank of New York.
57. Mirakhor, Abbas (1986), *Some Theoretical Aspects of an Islamic Financial System*. paper presented at a conference on Islamic Banking sponsored by the Central Bank of the Islamic Republic of Iran, Tehran.
58. Othman Ibrahim, Altwijry (2016). *Shari'ah perspective of money creation in Islamic banking: a proposal for an alternative model*. Munich Personal RePEc Archive.
59. Phillips, Ronnie J (1992). Credit Markets and Narrow Banking. Annual meetings of the Eastern Economics Association. New York City, *Working Paper*. No.77.
60. Phillips, Ronnie J (1994). *The Chicago Plan and New Deal Banking Reform*. New York, M.E. Sharping.
61. Kahf, Monzer; (1987). *The Islamic Economy: Analytical Study of the Functioning of the Islamic System*. Plainfield, Indiana: The Muslim Students' Association of The United States and Canada.
62. Ryan-Collins, Josh, Greenham, Tony, Werner, Richard & Jackson, Andrew, (2011). *Where does money come from? A guide to the UK monetary and banking system*. London, New Economics

Foundation.

63. Rothbard N, Murray (2008). *The Mystery of Banking*. Alabama: Ludwig von Mises Institute.
64. Sheard, P. (2013). Repeat After Me: Banks Cannot And Do Not "Lend Out" Reserves. *Standard & Poors - Ratings Direct* .
65. Siddiqi, M. Nejatullah, (1992). Impact of Islamic Modes of Finance on Monetary Expansion. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 4 (1), 37-46.
66. Turner, A. (2013). Credit, Money and Leverage: What Wicksell, Hayek and Fisher Knew and Modern Macroeconomics Forg. *Conference on: "Towards a Sustainable Financial System"*, Stockholm.
67. Van Dixhoorn, C, (2013). Full Reserve Banking. An Analysis of Four Monetary Reform Plans. *Sustainable Finance Lab*, Utrecht
68. Werner, Richard, Jackson, ben, & Ryan Collins, Josh; (2011). *Towards A Twenty-first Century Banking And Monetary System*. Retrieved Positive Money, NEF and the University of Southampton Submission to the Independent Commission on Banking.